

مطالعه بازنمایی ایدئولوژیک ایران در روزنامه الشرق الأوسط با تکیه بر الگوی

ون دایک*

شهریار نیازی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

مسعود فکری، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

زینب قاسمی اصل، پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

چکیده

تولیدات رسانه‌ای بویژه متن‌هایی که خبرنگاران به صورت روزمره تولید می‌کنند، یکی از حوزه‌های مناسب برای کاربست و تطبیق رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است. اختلافات سیاسی بین ایران و عربستان در سال‌های اخیر فضایی در عرصه رسانه‌ای دو کشور ایجاد کرده که کاملاً تحت سیطره گفتمان‌های سیاسی حاکم بر دولت‌ها است. این پژوهش با هدف تبیین استراتژی‌های گفتمانی روزنامه الشرق الأوسط عربستان در بازنمایی ایدئولوژیک ایران انجام شده است. بدین منظور، با انتخاب روش تحقیق و الگوی ون دایک، ۲۰ تحلیل سیاسی از روزنامه مذکور بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که نحوه پردازش اطلاعات و اخبار درباره ایران در این روزنامه، مطابق با مربع ایدئولوژیک ون دایک بوده و اصل بی‌طرفی رسانه‌ای در بازنمایی ایران رعایت نشده است. به‌نمایی، پیش‌فرض‌های منفی، قطبی‌سازی به ضرر ایران در متن، معرفی به عنوان گروه غیرخودی، فاصله‌گذاری و... از جمله استراتژی‌های گفتمانی این روزنامه هستند. در همه متون بررسی شده، ایران به مثابه تهدیدی برای امنیت منطقه و جهان و عنصر ناهماهنگ بین کشورهای اسلامی معرفی شده است. نویسندگان کوشیده‌اند که هر نوع گزاره ایدئولوژیک را در سطوح مختلف متن اعمال کرده و راه را برای قضاوت منصفانه مخاطب، مسدود کنند. گفتمان مسلط بر این روزنامه، در بازه زمانی بررسی شده، درصدد ارائه تصویری از ایران است که با واقعیت‌های سیاسی و مذهبی فاصله داشته و در مقابل، همه کنش‌های عربستان، به صورت مثبت طراحی و بازنمایی شده‌اند.

کلمات کلیدی: ایدئولوژی، تحلیل انتقادی گفتمان، روزنامه الشرق الأوسط، تئون ون دایک.

۱. مقدمه

ایدئولوژی، یکی از مؤلفه‌های مهم گفتمان و زیربنای اصلی برای برپایی نظام‌های فکری و سیاسی در جهان محسوب می‌شود و هرگاه در کنار قدرت قرار گیرد راه را برای غلبه بر گفتمان‌های متضاد هموار می‌کند. از سوی دیگر، رسانه‌ها که در سال‌های نه چندان دور ابزار قدرت بودند، اکنون به شکلی در پیشبرد مسائل مختلف ایفای نقش کرده‌اند که از حالت ابزاری قدیم به «کانون» قدرت تبدیل شده‌اند. «هال» [۱] در تعریف ایدئولوژی می‌نویسد: «ایدئولوژی به مثابه چارچوب ذهنی زبان‌ها، مفاهیم، تصورات فکری و نظام‌های بازنمایی تعریف شده است که گروه‌ها برای فهم و بیان عملکرد اعضای جامعه آن را به کار می‌برند» (Hall, 1996:26). ایدئولوژی برای اثرگذاری نیاز به ابزاری دارد که با تکیه بر استراتژی‌های مناسب، برای مخاطبان باورپذیر شود و حمایت آنان را به دست آورد. این همان وظیفه‌ای است که به عهده رسانه گذاشته شده و خبرنگاران هر رسانه در جهت اشاعه ایدئولوژی آن فعالیت دارند. نویسندگان و سیاست‌گذاران رسانه نیز، ابزاری به نام زبان دارند. هر چقدر یک مجموعه رسانه‌ای بتواند زبان را به شکل بهتری در خدمت خود قرار دهد، در نیل به اهداف خویش موفقتر خواهد بود. رابطه زبان و گفتمان از طریق امکاناتی است که زبان در اختیار گفتمان قرار می‌دهد. به نوشته «براون و یول» [۲] زبان به دلیل قدرت ترکیبی، امکان تشکیل نشانه‌ها را در سطح وسیعی ایجاد می‌کند و در واقع انعطاف‌پذیری قواعدش، آنقدر زیاد است که امکان تولید واحدهای هم‌نشین را در سطحی بسیار گسترده به نام گفتمان میسر می‌سازد. (Brown & Yule, 1989:1)

تحلیلگران گفتمان، آن را کاربرد زبان در بافت معرفی کرده و تحلیل گفتمان را مطالعه کاربرد زبان با توجه به عوامل بافتی چون گفته‌پرداز، گفته‌یاب، موضوع، موقعیت زمانی و مکانی، مجرای گفتاری و نوشتاری، رمزگان، صورت و ماهیت رویداد ارتباطی و هدف آن دانسته‌اند. (همان: ۳۸) به این ترتیب، زبان با توجه به جایگاه کلیدی خویش در گفتمان، این قابلیت را دارد تا در کنار دیگر عوامل، زمینه‌های مناسب را برای ایجاد، تثبیت، غلبه یا شکست یک گفتمان با توجه به شرایط فراهم کند. با تکیه بر مسائل گفته شده در بالا، این پژوهش در نظر دارد وضعیت بازنمایی مسائل مربوط به ایران را در روزنامه الشرق الأوسط در جایگاه یکی از ارکان رسانه‌های مکتوب در جهان عرب، بررسی کند. عربستان سعودی که در میان اغلب کشورهای عربی منطقه، از جایگاهی شبیه به کانون سیاسی برخوردار است و کشورهای تحت نفوذ آن در اتخاذ تصمیمات خود، نیم‌نگاهی به این کشور دارند، در عرصه رسانه‌ای نیز با تکیه بر شبکه‌های خبری؛ مانند العربیه و الحدیث و روزنامه‌های مهمی؛ مانند الشرق الأوسط، الحیاة و... توانسته است گفتمان خویش را بر مراکز خبری و رسانه‌های دیگر کشورها تا حد امکان تحمیل کند. به همین دلیل ضروری است در کشور ما به عنوان رقیب منطقه‌ای عربستان که آماج بسیاری از استراتژی‌های رسانه‌ای این کشور است، تحلیل‌های زبانشناسی برای شناخت این تکنیک‌ها

صورت گیرد. در این جستار، بیست تحلیل سیاسی مربوط به یک دورهٔ یک‌ساله، از تاریخ یکم مهرماه ۱۳۹۶ش (اکتبر ۲۰۱۷م) تا یکم مهرماه ۱۳۹۷ش (اکتبر ۲۰۱۸م) به عنوان مادهٔ تحقیق انتخاب شده‌اند.

پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- استراتژی‌های زبانی روزنامه الشرق الأوسط در بازنمایی ایدئولوژیک مسائل ایران با تکیه بر الگوی ون‌دایک چیست؟

- نحوهٔ به کارگیری آنها در متن چگونه است؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

در رشته‌های مختلفی؛ مانند زبان‌شناسی، علوم ارتباطات، علوم اجتماعی و ادبیات، رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان انتقادی، روشی برای تحلیل کیفی متن بوده و پژوهش‌های مختلفی بر مبنای آن صورت گرفته است. برخی از تحقیقات انجام شده که تا حدی در موضوع یا روش تحقیق با این پژوهش مرتبط هستند به شرح زیر است:

انصاری نیا و خزعلی (۱۳۹۶ش) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های تمدنی در مناظرهٔ امام رضا (ع) و جاثلیق در موضوع نبوت، بر مبنای مربع ایدئولوژیک ون دایک»، دو تکنیک برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که انواع تأکید و استفهام مهم‌ترین استراتژی زبانی به کارگرفته شده در این متن بوده‌اند. حامدی و زرقانی (۱۳۹۳ش)، روش ون دایک را برای تحلیل داستان به کار گرفته و در پژوهش خویش با عنوان «تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک ون دایک»، نحوهٔ به کارگیری الگوهای گفتمانی را توسط شخصیت‌های داستان مطالعه کرده‌اند. فرقانی و شمسایی نیا (۱۳۹۶ش) در مقالهٔ «تعامل رسانه‌های جمعی و فناوری‌های نوین ارتباطی؛ بازنمایی اقتصاد مقاومتی در فضای مجازی» با به کارگیری الگوی ون دایک دریافته‌اند رسانه‌های مورد مطالعه‌شان قرائت مشترکی از معنای اقتصاد مقاومتی نداشته و در مباحث تکنیکی گفتمان دچار واگرایی نسبی هستند. فرامرزبانی و جعفری (۱۳۹۲ش)، تحلیل گفتمان اخبار انتخابات ریاست جمهوری دورهٔ دهم را در دستور کار خویش قرار داده و یافته‌های آنان از بررسی شبکه بی بی سی فارسی، حاکی از آن است که گفتمان تبلیغاتی و روانی این رسانه در جهت ایجاد تفرقه و بحران‌سازی بین گروه‌های سیاسی ایران بوده است. فرخی حقیقت و یاوری (۱۳۹۴ش)، نیز در مقالهٔ «بازنمایی تصویر دکتر مصدق و آیت الله کاشانی در شبکه بی بی سی فارسی»، با تکیه بر الگوی ون دایک چنین استنتاج کرده‌اند که در فیلم مستند مورد مطالعه‌شان، نویسنده با دستمایه قرار دادن حوادث سال‌های ملی شدن صنعت نفت، مجالی را فراهم کرده تا ضمن توجیه دخالت بیگانگان در مسائل داخلی کشور، با ایجاد یک دو قطبی، بین مصدق و آیت الله کاشانی به تقویت یکی و تخریب دیگری بپردازد. انصاری نیا و خزعلی (۱۳۹۶ش) در پژوهشی تحت عنوان «رویکردهای زبانی در تحلیل گفتمان مناظره امام رضا (ع) با ابوقره صاحب شبرمه،

مطالعه: موردی کلام الهی، به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از ادات تأکید و به کاربرد انواع اسمها از جمله اسم مصدر و افعال خاص و بینامتنیت قرآنی به برجسته‌سازی محورهای اصلی در مناظره امام^(ع) نقشی بسزا دارد.

وجه تمایز این جستار نسبت به مطالعات قبلی در محتوای مورد مطالعه است. رسانه‌های عربستان سعودی با وجود اینکه در عرصه منطقه‌ای نقش بسیار مهمی در تقابل گفتمانی دو کشور دارند، تاکنون کمتر مطالعه شده‌اند و با توجه به نیاز رسانه‌های ایرانی برای شناخت زبانی گفتمان متضاد، ضرورت این مطالعه به عنوان یک پژوهش کاربردی احساس می‌شود. از جنبه مطالعات زبانی مرتبط با رشته زبان و ادبیات عربی نیز اکنون ضرورت آموزش الگوهای مختلف تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان متدهای استاندارد برای نقد متون در دانشگاه‌ها وجود دارد و پژوهش پیش رو ضمن معرفی استراتژی‌های زبانی نو، می‌تواند نمونه مناسبی برای این حوزه باشد.

۳. روش تحقیق

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، روشی علمی است که از ابزار زبانی مناسب در تحلیل کیفی متن بهره می‌برد و بر مطالعه ایدئولوژی متکی است و برای این پژوهش انتخاب شده است. در میان الگوهای مختلف تحلیل گفتمان، متد تون ون دایک به دلیل طراحی اختصاصی برای مطالعه ایدئولوژی و همچنین بررسی متن از منظر زبانی نسبت به دیگر الگوها با هدف پژوهش تناسب بیشتری داشت و به عنوان ابزار تحلیل مورد استفاده نویسندگان قرار گرفت. در ادامه بحث، جزئیات این الگو تشریح شده است.

۴. مبانی نظری پژوهش

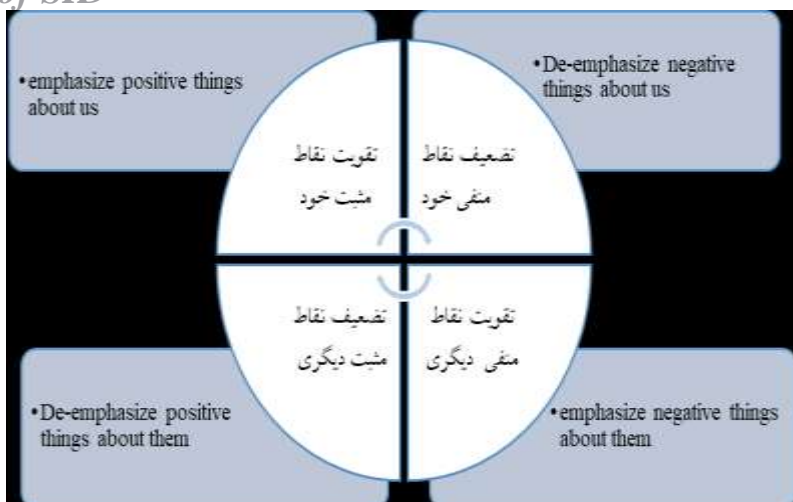
فرکلاف، گفتمان را به مجموعه افعال، رفتارها، برخوردها و نگرش‌هایی اطلاق می‌کند که برای انجام عملی و به قصد تحقق هدفی در جامعه خاصی به کار گرفته می‌شوند و معمولاً این افعال و رفتارها نهادینه بوده و کارکرد و نقش اجتماعی ویژه‌ای دارند. وی در ادامه، زبان را جزئی از این کارکرد دانسته که در هر یک از نهادهای رسمی و غیر رسمی، برابر الگو و عرف مشخصی عمل می‌کند. (Fairclough, 1995:4) الشهري می‌نویسد: «گفتمان به عنوان یک واحد زبانی، به بررسی ساختار و روابط بین اجزای متن اکتفا نمی‌کند بلکه بعد دیگری را در نظر دارد و آن بعد کاربردشناختی است. از این منظر باید عناصر بافتی و سطح تأثیر آنها در گفتمان بررسی شود.» (الشهري، ۲۰۰۴م: ۳۸) به نوشته عکاشه، تجزیه و تحلیل گفتمان، به استفاده از دیدگاه جامع اجتماعی متمایل است در حالی که زبان‌شناسی متن محدود به بررسی شکل و ساختار آن بدون در نظر گرفتن محتوا و عملکرد اجتماعی آن است. (عکاشه، ۲۰۰۵م: ۴۵). «روث وداک» به عنوان یکی از صاحب‌نظران تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان را امتزاج پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی می‌داند که به‌طور همزمان و پی‌درپی با هم مرتبط

هستند و خود را درون و میان حوزه‌های اجتماعی کنش، ژانرها، نشانه‌ها و متون گفتاری یا نوشتاری نشان می‌دهند. به اعتقاد وداک تحلیل گفتمان در پی نشان‌دادن آن است که نهادهای اجتماعی چگونه گفتمان‌ها را می‌سازند و متقابلاً به چه شیوه‌هایی گفتمان‌ها، نهادهای اجتماعی را می‌سازند، کارکرد ایدئولوژی در نهادهای اجتماعی چگونه است و دستیابی به قدرت و حفظ آن به چه ترتیب است. (حسن‌پور و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۶ش: ۵۵) وداک ایدئولوژی را وسیله‌ای برای تولید روابط نامتوازن قدرت در اجتماع می‌داند که ابزارش زبان است. (Wodak, 2001:10). این زبان در رسانه‌های مکتوب باید در متن مورد مطالعه واقع شود. اینجاست که مفهوم روابط قدرت در گفتمان سیاسی مطرح می‌شود. منظور از گفتمان سیاسی، زبان قدرت حاکم بر جامعه است. این زبان اساساً با هدف تأثیرگذاری و اقتناع مخاطب درباره محتوای گفتمان به کار می‌رود. (شلیغر، ۱۹۸۷م: ۱۳۴)

فوکو، گفتمان را دارای زمینهٔ اجتماعی و ریشه آن را در قدرت می‌داند. نهایت آنکه زبان و جهان هر دو در تعامل یکدیگرند. هرگاه یکی تغییر کند دیگری هم تغییر می‌کند؛ یعنی معقول می‌شود. از آنجا که زبان ابزار ایدهٔ جامعه است برای درک فرآیندهای جامعه باید زبان را شناخت. (فتاحی، ۱۳۸۷ش: ۶۸) فهم گفتمان به ارتباط بین فکر و زبان برمی‌گردد و بحث گفتمان به دنبال فهم تأثیر تفکر در زبان است چرا که هر دالی مدلولی دارد. (عبدالسمیع، ۲۰۰۱م: ۱) دربارهٔ نقش متون در گفتمان، جانسون معتقد است: ایدهٔ نظری کنترل‌کننده در پس تحلیل گفتمان انتقادی این است که متون از مهمترین راه‌هایی هستند که ایدئولوژی توسط آنها جریان می‌یابد و باز تولید می‌شود و خود این متون برای تولید، گردش و دریافت خود، درون مجموعه‌ای از ساز و کارهای گفتمانی قرار دارند. (Johnstons, 2008:53)

ون دایک که الگوی او شاکلهٔ اصلی بحث در این پژوهش است، ایدئولوژی را نظامی از باورها و علایق و منافع مشترک خاص افراد یک گروه اجتماعی می‌داند. به عقیدهٔ او، ایدئولوژی ممکن است منفی باشد؛ که در این صورت سازوکار مشروعیت‌بخشی به قدرت محسوب می‌شود و یا می‌تواند مثبت باشد که در این صورت برای مشروعیت‌بخشی به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌رود. (Van Dijk, 1998:4-6)

ون دایک نقش قدرت در گفتمان را از نوع کنترل دانسته و قدرت اجتماعی گروه مسلط بر گفتمان را نتیجهٔ دسترسی و کنترل منابعی؛ نظیر نیروهای نظامی، اطلاعات و رسانه قلمداد می‌کند. وی معتقد است گروه‌های حاکم از طریق متن رسانه‌ای با استفاده از فن دستکاری اطلاعات (چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم) بر اذهان مردم تأثیر می‌گذارند. (همان: ۳۵۵) ون دایک در ترسیم وضعیت دخالت و دستکاری صاحبان قدرت اجتماعی بر مخاطبان خود، به یک مربع معناشناختی اشاره می‌کند که قطب‌بندی و فاصلهٔ بین درون‌گروهی و برون‌گروهی یا به تعبیر دیگر، خودی و غیرخودی را نشان می‌دهد. اضلاع این مربع به شکل زیر است:



شکل ۱- مربع ایدئولوژیک (۲۰۰۸م) به نقل از (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۶۴)

مربع ایدئولوژیک در الگوی ون دایک، ساخت کلانی است که استراتژی‌های زبانی در سطح خرد بر اساس آن طراحی می‌شوند. به نوشته ون دایک، سطح کلان متن، در حقیقت سطحی انتزاعی است که با استفاده از آن، روابط بین گروه‌ها و کنش‌گران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در یک جامعه با لحاظ کردن مفاهیم فرازبانی؛ مثل ایدئولوژی، سیاست و قدرت، توصیف و تحلیل می‌شود. (van dijk, 2004:31) در ساختار خرد، ون دایک به وجود شش سطح یا محور گفتمانی معتقد است که عبارتند از: محور واژگان، محور دستور، محور بلاغت، محور سبک، محور استدلال و محور کنش. وی برای هر کدام از این سطوح استراتژی‌های زبانی ویژه‌ای طراحی کرده که شیوه‌های دخالت ایدئولوژی در متن را نشان می‌دهند.

به نوشته ون دایک، تحلیل انتقادی، بر معانی خرد متن؛ مثل معنی واژگان، ساختار و ماهیت انسجام و روابط بین گزاره‌ها، مثل تلویحات، پیش‌فرض‌ها، و عناصر نحوی نیز تأکید می‌کند. معانی خرد متن، نوعی اطلاعات هستند که تحت کنترل درونمایه کلی، مستقیماً بر بازنمایی‌های ذهنی و در نتیجه بر نگرش‌های دریافت‌کنندگان متن تأثیرگذارند. از لحاظ نظری، تولید معانی خرد بر پایه الگوهای ذهنی از رویدادها صورت می‌گیرد و تحت کنترل محتوای متفاوت الگوهای بافتی است. (van dijk, 2009:199) وی درباره اهمیت پرداختن به سطوح صوری گفتمان می‌نویسد: سطوح گفتمان می‌تواند در بیان یا تا حدودی در نشان دادن ایدئولوژی، بویژه از طریق فرآیندهای تأکیدکردن یا تأکیدزدایی (مربع ایدئولوژیک)، از معناهای ایدئولوژیک، نقش داشته باشد. نواخت‌ها و تکیه‌واژه‌ها و جمله‌ها می‌توانند معانی را کم و بیش برجسته سازند. (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۱۱۹) ون دایک گفتمان را دارای سطوح متعدد و پیچیده می‌داند که هر کدام دارای عناصر و مقوله‌های خاص خود است و می‌تواند به شیوه‌های متعددی

با هم ترکیب شوند. ایدئولوژی همیشه به شکل آشکار نیست و ممکن است به صورت غیرمستقیم یا ضمنی هم رخ دهد یا اینکه با ساختارهای غیرروشنِ گفتمان مثل آهنگ، درنگ یا یک ضمیر آشکار شود (همان: ۶۱).

در ساختار خرد چنانچه اشاره شد، شش محور مختلف وجود دارد که در این پژوهش، محور معنا مطرح نظر است. استراتژی‌های متعلق به محور معنا متعدد هستند که در بخش بعدی ابتدا هر کدام از آنان معرفی، سپس کیفیت اجرای آن در روزنامه الشرق الأوسط بررسی خواهد شد.

۵. تطبیق نظریه بر متون منتخب روزنامه الشرق الأوسط و تحلیل آنها

در این بخش که تنه اصلی و بخش اجرایی مقاله است، استراتژی‌های گفتمانی وندایک معرفی و چگونگی کاربست آنها در گفتمان، تحلیل می‌شود.

۱-۵. به‌نمایی و حسن تعبیر [۳]

از آنجا که اظهار نظر درباره وقایع، بیانگر چارچوب‌های ایدئولوژیک زیربنایی است، در گفتمان، اطلاعات معمولاً به صورتی ارائه می‌شود که نظر مثبتی راجع به گروه خودی ایجاد کند. (van dijk, 2007:101) در این استراتژی، گوینده/ نویسنده، برای ویژگی‌ها، کنش‌ها و واژگان منفی، واژه‌هایی با بار معنایی مثبت‌تر استفاده می‌کند تا بدین‌وسیله، چهره منفی از کنشگر اجتماعی خودی در ذهن مخاطب باقی نماند: «ولي العهد السعودي أرسل رسالة تحذير للمجتمع الدولي بأننا نخوض حربا فعلية مع دولة توسعية تهدد الأمن الدولي ونحن الوحيدون الذين نتصدى لها والعالم يتفرج ومحاولاتها لم ولن تتوقف ما دام المجتمع الدولي يفكر بصفقاته التجارية التي تستخدمها إيران لشراء مواقفه». (الشاعر، هـ ۲۰۱۸/۰۴/۰۸م)

ترجمه: وليعهد عربستان پیامی هشدارآمیز با این مضمون به جامعه جهانی داد: ما درگیر یک جنگ واقعی با کشوری توسعه‌طلب هستیم که امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. در حالی که جهانیان به تماشا نشسته‌اند ما تنها کسانی هستیم که در مقابلش ایستاده‌ایم و تا زمانی که جامعه جهانی به معاملات تجاری خود که ایران از آنها برای خرید مواضع (کشورهای دنیا) استفاده می‌کند، فکر کند، تلاش‌های (توسعه طلبانه) ایران متوقف نشده و نخواهد شد.

در این نمونه، از اشغال نظامی و جنگ عربستان علیه یمن تحت عنوان مبارزه با زیاده‌خواهی ایران و تهدیدی که برای امنیت ملی دنیا ایجاد کرده، یاد شده است. نویسنده قصد دارد با این به‌نمایی، ضمن ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به عملکرد دولت سعودی در یمن، اقدامات جامعه جهانی در همکاری‌های تجاری با ایران زیر سؤال ببرد و این‌گونه القا کند که در راه مبارزه با دشمنی به نام ایران تنها مانده است.

نمونه دیگری از به‌نمایی در این پاراگراف دیده می‌شود: «لا أحد ينكر أن السياسة التخريبية الإيرانية المستمرة في إشعال المنطقة تهدف إلى تنامي الخطر المدمر، وعلى العالم أن يدرك أن التحرك السعودي يصب في صالح شعوب المنطقة والسلم العالمي على المستوى القريب والبعيد.» (عبدیان بنی سعید، ۱۸/۰۶/۲۰۱۸م)

ترجمه: هیچکس منکر این نیست که هدف سیاست همیشگی ایران برای خرابکاری در منطقه، افزایش این خطر ویرانگر است و دنیا باید بداند که تحرکات عربستان در خاورمیانه در درازمدت و کوتاه مدت به نفع ملت‌های منطقه و صلح جهانی است. نویسنده برای تعبیر از حضور ایران در منطقه با عبارت «أن السياسة التخريبية الإيرانية المستمرة في إشعال المنطقة»، یاد کرده و در مقابل برای جنگ عربستان علیه دیگر کشورها از جمله یمن، از واژه «تحرك» استفاده کرده که بار منفی کمتری نسبت به جنگ و نبرد دارد. این استراتژی به منظور ایجاد حس اقناعی در مخاطب نسبت به عملکرد عربستان استفاده شده است.

۵-۲- پیش‌انگاشت [۴]

در این تکنیک معنایی خاص، اطلاعاتی که در کل، اصلاً مشترک یا پذیرفته نیستند از پیش بدیهی دانسته می‌شوند. (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۶۷) بدین شکل، چنانچه مخاطب نگاه منتقدانه به موضوع نداشته باشد، ممکن است صدق آن گزاره پیش‌فرض را بپذیرد. در حالی که ممکن است آن پیش‌فرض، ماهیتاً کاذب باشد. موارد متعددی از پیش‌فرض‌انگاری در متن‌های بررسی شده یافت شد که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود: «الصفافة الإيرانية واحدة من أهم نقاط ضعفها والتي قد تسرع بكشف أجدتها ونواياها وحقيقة خطرها على الأمن الإقليمي والدولي.» (الشاعر، ب، ۱۸/۰۲/۲۰۱۸م)

ترجمه: بی‌پروایی ایران یکی از نقاط ضعف این کشور است که می‌تواند باعث برملا شدن نیروها، اهداف و حقیقت خطر ایران برای امنیت منطقه و دنیا شود. گزاره پیش‌فرض: ایران برای منطقه خطرناک است، فقط باید ابعاد این خطر برای دیگران مشخص شود. «تدين المملكة المتحدة الاعتداء الصاروخي الحوثي - الإيراني، الذي فشل في استهدافه مطار الملك خالد الدولي» (عبدالعزیز الهزانی، ۲۷/۰۳/۲۰۱۸م)

ترجمه: انگلستان حمله موشکی ناموفق حوثی - ایرانی به فرودگاه بین‌المللی ملک خالد را محکوم می‌کند. گزاره پیش‌فرض: ایران قطعاً در پرتاب موشک به عربستان نقش داشته است. «أنه ليس من مصلحة موسكو الذهاب بعيداً في تغطية سياسة طهران التوسعية» (البني، ۰۱/۰۶/۲۰۱۸م)

ترجمه: پوشش بیش از حد سیاست‌های توسعه‌طلبانه ایران به نفع روسیه نیست. گزاره پیش‌فرض: سیاست‌های ایران در منطقه توسعه‌طلبانه است. «

«إن العدو الأكبر في المنطقة هو النظام الإيراني وليس الطائفة الشيعية» (الشاعر، ج، ۱۵/۰۴/۲۰۱۸م)

ترجمه: دشمن بزرگ (همسایگان) حکومت ایران است نه شیعیان. در گزاره پیش‌فرض: دولت ایران از مذهب شیعه در جهت اهداف منطقه‌ای خویش استفاده می‌کند. «

«العقوبات ستكون أداة ضغط على النظام الإيراني.» (الشاعر، د، ۰۴/۰۸/۲۰۱۸م)

ترجمه: تحریم‌ها ابزاری برای اعمال فشار بر حکومت ایران خواهد بود. گزاره پیش‌فرض: تحریم‌ها علیه ایران، فقط دولت (و نه مردم) این کشور را نشانه گرفته و قادر است او را وادار به عقب‌نشینی کند. »

«علی القوی الإقليمية والمجتمع الدولي مساندة الشعب الإيراني بكل مكوناته من أجل منع حدوث قمع من جانب نظام.» (عبدیان بنی سعید، ۲۰۱۸/۰۶/۰۱ م)

ترجمه: قدرت‌های منطقه و جامعه بین‌المللی باید با تمام توان برای جلوگیری از سرکوب توسط حکومت، به مردم ایران کمک کنند. گزاره پیش‌فرض: مردم ایران به حمایت و دخالت دولت‌های خارجی نیاز دارند و نظام حاکم نماینده واقعی مردم خویش نیست. »

در همه نمونه‌هایی که ذکر شد، گزاره‌های مورد اشاره چنان بدیهی دانسته شده‌اند که مخاطب نیازی به پرسش‌گری درباره آن پیدا نمی‌کند. نکته دیگر آنکه تمام پیش‌فرض‌ها به صورت هماهنگ علیه ایران تنظیم شده و در مقابل هیچ پیش‌انگاشت منفی درباره عربستان و یا دیگر کنشگران متن وجود ندارد.

۵-۳. تعمیم دادن [۵]

راهبردی معنایی است که در آن ویژگی‌ها، رویدادها و اعمال عینی به گروه بزرگتر و وسیع‌تر بسط داده شود. به بیان دیگر، چنانچه مدل ذهنی (مثبت یا منفی) فرد یا گروهی خاص به مثابه اعتقادات کلی، نگرش‌های اجتماعی و یا ایدئولوژی‌های مردم کل جامعه متجلی شود و یا دامنه معنایی یک واژه، گسترش و عمومیت پیدا کند، تکنیک تعمیم توسط نویسنده مورد استفاده قرار گرفته است.

«فقد نبه الأمير محمد بن سلمان إلى ضرورة أن يتحلى المجتمع الدولي بمسؤوليته الأخلاقية ويتخذ موقفاً تجاه الإرهاب الإيراني الموجه للعالم أجمع وليس لدول الخليج أو المنطقة العربية فحسب، كي يتجنب العالم حرباً تلك حرب كما يعرف الجميع، فإنها لن تقع بين الدولتين فقط، ولن يقع ضررها على الدولتين فحسب، بل على العالم أجمع الذي يعتمد على النفط الخليجي والإيراني.» (الشاعر، د، ۲۰۱۸/۰۴/۰۸ م)

ترجمه: شاهزاده محمد بن سلمان هشدار داد که جامعه بین‌المللی باید مسئولیت اخلاقی خود را بر عهده بگیرد و علیه تروریسم ایرانی که نه فقط دولت‌های خلیج و منطقه بلکه همه عالم را نشانه گرفته، موضع‌گیری کند تا دنیا از یک جنگ جلوگیری کند. این جنگ، همانطور که همه می‌دانند فقط بین دو کشور نیست و آسیب‌های آن هم فقط متوجه دو کشور نخواهد شد، بلکه همه دنیا که به نفت خلیج و ایران تکیه دارند، درگیر آن خواهند شد.

استفاده از استراتژی تعمیم در روزنامه الشرق الأوسط معمولاً از طریق تعمیم خطر ایران به همه کشورهای منطقه و حتی همه دنیا انجام می‌شود. رسانه‌های سعودی به شکل عمومی، هر گونه فعالیت تروریستی در منطقه را به ایران نسبت می‌دهند و می‌کوشند که خطر ایران را به همه دنیا تعمیم دهند. در این نمونه، نویسنده به جنگ احتمالی بین دو کشور اشاره کرده و خطر آن را به کل دنیا تعمیم داده است. اگرچه گزاره نویسنده (در فرض تحقق) واقعیت بیرونی هم دارد، مسأله این است که شروع این جنگ به ایران نسبت داده شده است. به عبارتی متن چنین القا می‌کند که کنشگری منفی ایران در

منطقه به گونه‌ای است که امنیت انرژی را در کل جهان به مخاطره خواهد انداخت و عربستان هم در این میان نقش قربانی دارد.

۵-۴. هم‌معنایی [۶]

این استراتژی به معنای استفاده از عباراتی است که کم و بیش (البته نه کاملاً) معنای یکسان دارند اما با واژه‌های مختلف صورت‌بندی شده‌اند. (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۶۹)

«وحین ننظر إلى هذه البلدان نرى في كل واحد منها النظام الإيراني وراء كل المحن والحروب والدمار.» (الشاعر، د، ۱۵/۰۴/۲۰۱۸م)

ترجمه: وقتی به این کشورها می‌نگریم، می‌بینیم که در همه آنها نظام ایران پشت رنج‌ها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها ایستاده است. «سه واژه «المحن»، «الحروب» و «الدمار» که همه، معانی نزدیک به هم دارند، با هدف توصیف بیشتر از عملکرد منفی ایران در کشورهای عربی، با تکنیک هم‌معنایی پشت سر هم ذکر شده است.

نمونه دیگر: «نعم يجب على نخبنا التساؤل: كيف تحوّلت بلدان مثل إيران والعراق وسوريا واليمن التي تعد أهم مراكز الحضارة الإنسانية، إلى مسرح للقتل والإرهاب والحروب والمآسي التي تقف خلفها إيران؟» (الشاعر، د، ۱۵/۰۴/۲۰۱۸م)

ترجمه: بله، نخبگان ما باید سوال کنند: «چگونه کشورهایی؛ مانند ایران، عراق، سوریه و یمن که مهمترین مرکزهای تمدن بشری بودند به صحنه قتل، تروریسم، جنگ‌ها و مصائبی تبدیل شده‌اند که ایران پشت آنها ایستاده است؟»

در این نمونه، واژه‌های «قتل»، «ارهاب»، «حروب» و «المآسی»، که باز هم به ایران نسبت داده شده‌اند، دارای معنای نزدیک هستند و با هدف ایجاد نگرش منفی در خواننده کنار هم چیده شده‌اند.

۵-۵. همدلی با گروه خودی [۷]

یکی از تاثیرگذارترین استراتژی‌های سیاسی است و بر وحدت، انسجام و همبستگی درون‌گروهی تاکید دارد. به این صورت که متن به شکلی پردازش می‌شود که در مواجهه یک گروه/ ملت با تهدید بیرونی، نویسنده، فارغ از جهت‌گیری سیاسی به همدلی با آن مجموعه می‌پردازد.

«فإيران تظن أنها تستطيع أن تبقى في المنطقة العربية كقوة استعمارية هائلة مطمئنة ما دام في المنطقة عملاء وخونة عرب يفتحون لها الباب، وما دامت قادرة على إرسال رسائل تطمين لحلفائها الروس والأوروبيين أن الأمور تحت السيطرة، وأن وجودها في العراق وسوريا تلبية لحكوماتها الشرعية، وأن ذلك لمحاربة داعش والتكفيريين فقط، وأنه لا تهديد على أي من المصالح الحيوية كمبرات البترول والغاز والملاحة الجوية والبحرية.» (الشاعر، الف، ۱۸/۰۲/۲۰۱۸م)

ترجمه: ایران فکر می‌کند تا زمانی که عوامل خودش و خائنین عرب در را برایش باز کنند، می‌تواند به عنوان یک قدرت استعماری، آرام و مطمئن باقی بماند و همچنان قادر به ارسال پیام اطمینان‌بخش «اوضاع تحت کنترل

است» به شرکای روسی و اروپایی خویش خواهد بود. همچنین کماکان می‌تواند حضور خود را در عراق و سوریه، پاسخ به درخواست حکومت‌های قانونی آنها معرفی کند و اینگونه وانمود کند که این حضور صرفاً به منظور مبارزه با داعش و تکفیری‌هاست و منافع حیاتی؛ مانند نفت و گاز و ناوگان هوایی و دریایی را تهدید نمی‌کند.

در این نمونه، نویسنده در ابتدای پاراگراف، ایران را با عنوان «قدرت استعمارگر» معرفی کرده است. واژه استعمارگر، خود این ذهنیت را نزد مخاطب ایجاد می‌کند که ایران با توجه به خوی زیاده‌خواهی‌اش، چشم طمع به سرزمین‌های عربی دارد. در ادامه، نویسنده به مسأله وجود خیانت‌کارانی اشاره می‌کند که از صف امت واحده عربی جدا شده و با زیر پا نهادن مصالح مردم خویش، به نفع ایران عمل می‌کنند. اکنون در ذهن مخاطب این پیام القا شده که اقلیم عربی منطقه اولاً با تهدیدی بیرونی به نام ایران مواجه است، ثانیاً ملت‌های عرب در مقابل این دشمن و برای به زانو درآوردن حضور ایران در کشورهای عراق و اتحاد و صفوف یکپارچه دارند. در ادامه، نویسنده با زیر سؤال بردن حضور ایران در کشورهای عراق و سوریه، تلاش دارد، دلیل اصلی این حضور را طمع این کشور (در جایگاه یک قدرت استعماری) به منابع انرژی، راه‌های هوایی و دریایی این کشورها بیان داشته است. تکنیک نویسنده در این پاراگراف، برانگیختن حس ستم‌دیدگی نزد مخاطب است. مخاطب چنین برداشت می‌کند که دشمنی خارجی، هویت عربی و منابع مالی همه کشورهای عربی را هدف قرار داده است.

۵-۶. مقوله‌بندی و ارائه مثال [۸]

به صورت کلی، گفتمان‌هایی درباره ما (خودی) و آنها (غیرخودی) با بیان مثال و نمونه، به شکل گزارش‌هایی درباره اعمال خوب ما یا رفتار بد آنها توصیف می‌شوند. به لحاظ کارکردی، چنین گزاره‌هایی برای تقویت گزاره دیگر به کار می‌روند. (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۷۰) از این استراتژی به منظور توصیف، تشریح و عینی کردن یک مفهوم یا موضوع استفاده می‌شود: «نحن بحاجة لتعریة ایران أمام الرأي العام الأوروبي وتحديداً ألمانيا وفرنسا... في مواقع نائية عن المركز العربي في الجزيرة العربية، وفي أطرافه الشمالية، كالجزائر، دخلت إيران وتمركزت وخلقت مشكلة لم يعرفها الشمال الأفريقي كله طوال التاريخ الأفريقي الإسلامي، أن العالم العربي بأغلبه السنیه لم تكن لديه أي مشكلة مع الأقليات الشيعية قبل ثورة ایران، تعايش معها بسلام وترك لها حرية ممارسة معتقداتها في جميع الدول العربية.» (الشاعر، ب، ۱۸/۰۲/۲۰۱۸م)

ترجمه: ما باید (چهره واقعی) ایران را در مقابل افکار عمومی اروپایی، بویژه آلمان و فرانسه افشا کنیم. ایران به نقاط دورافتاده از مرکز عربی در شبه جزیره عربستان و مناطق شمالی آن؛ مانند الجزایر وارد شده و مشکلاتی ایجاد کرده که شمال آفریقا در همه تاریخ آفریقایی - اسلامی با آن روبرو نبوده است. تا قبل از انقلاب ایران، جهان عرب با وجود اکثریت اهل سنت، هیچ مشکلی با اقلیت‌های شیعه نداشت، با آنها مسالمت‌آمیز زندگی می‌کرد و (شیعیان) در تمام کشورهای عربی آزادانه به باورهایشان عمل می‌کردند.

نویسنده در آغاز پاراگراف، خواستار آن شده که چهره حقیقی ایران نزد دیگران «افشا» شود. حال برای عینی کردن این مفهوم نیاز به شواهدی دارد که مخاطب را نسبت به کنشگری ایران به همین نتیجه برساند و شروع به ذکر مثال‌هایی می‌کند که همگی ایران را به عنوان گروه غیرخودی معرفی می‌کند. این عنصر غیرخودی طبق این مثال‌ها به طور دائم در تلاش برای برهم زدن آرامش دیگر کشورهاست. نویسنده مدعی است گروه خودی (مناطق شیعه‌نشین عربستان و الجزایر) تا پیش از آغاز روابط با ایران به مثابه دشمنی که حقیقت وجودی خویش را به منظور ایجاد اختلافات مذهبی بین کشورهای آفریقایی پنهان کرده، مشکلاتی از نوع تفرقه مذهبی نداشته‌اند و این رابطه با ایران است که باعث ایجاد مشکلاتی از نوع تفرقه مذهبی در این مناطق شده است.

۷-۵. ابهام [۹]

در استراتژی ابهام، اصطلاحاتی به کار می‌رود که مرجع مشخصی ندارد و به دسته و مجموعه‌ای نامعلوم اطلاق می‌شود. ون دایک، مدیریت وضوح و ابهام را «ابزار قدرتمند سیاسی و ایدئولوژیکی» خوانده است. (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۷۴) برای نمونه می‌توان به کمی‌نماهای مبهم؛ مثل «تعداد اندکی»، «تعداد زیادی»، «قیدهایی؛ مثل «خیلی»، «اسامی؛ مثل «چیز» و صفاتی؛ مثل «بالا» و «پایین» اشاره کرد. این تکنیک می‌تواند با هدف کمرنگ کردن یک موضوع، بزرگ‌نمایی و یا انکار یک رخداد به کار رود. «أما الأذرع الأخطبوطية وأدوات القوة الخسنة لإيران في المنطقة، فبات عليها أن تواجه حقائق جديدة على الأرض، مفادها أن زمن تصدير الفتنة إلى الخارج قد انتهى.» (أمين، الف، ۲۲ / ۲۰۱۸ / ۲۰۵م)

ترجمه: نیروهای سلطه‌جو و ابزارهای خشونت ایران در منطقه باید با این واقعیت جدید روبرو شوند که زمان صدور فتنه به خارج تمام شده است.

در این نمونه به طور متوالی، کاربرد کلمات با مصداق نامشخص در دستور کار نویسنده است که شکل‌های مختلفی از ابهام را در زبان عربی منتقل می‌کنند. «الأذرع الأخطبوطية»، «أدوات القوة الخسنة» و «حقائق جديدة»، چه هستند؟ مصداق أذرع چه گروه‌هایی است؟ ابزارهای ایران کدامند؟ کدام واقعیت‌های جدید در منطقه؟ لازم به توضیح است که کاربرد کمی‌نماها فقط یکی از انواع مختلف ایجاد ابهام است و همانطور که در تعریف اصطلاح از قول ون‌دایک آمده، اساس این استراتژی به کاربرد اصطلاحات با مرجع نامشخص و یا اشاره به دسته و مجموعه‌های نامعلوم است و در نمونه بالا، نویسنده از روش اشاره به مجموعه‌های نامعلوم استفاده کرده و در نتیجه این ابهام، سؤالات بی‌پاسخی برای مخاطب ایجاد شده است. در واقع اینها سؤالات پنهانی هستند که نویسنده با راهبرد زبانی، در ذهن مخاطب ایجاد کرده و بدون پاسخ رها می‌کند. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که نویسنده قصد دارد به آن برسد: ایجاد وحشت و انزجار نسبت به ایران با تکیه بر ابهام در کنشگری منفی که در منطقه ایفا می‌کند.

از همین نوع ابهام، وضعیت اشاره به گروه‌هایی است که بنا به ادعای این روزنامه سعودی با حمایت ایران به قصد ناامن کردن منطقه قدم بر می‌دارند: «لماذا تركنا ميليشيات إيران تستولي على المراكز القيادية في دولنا.»

ترجمه: چرا به شبه‌نظامیان ایران اجازه دادیم بر مراکز رهبری در کشورهایمان مسلط شوند.
«هذه الحوادث التي مرت بالشعب العراقي «داعش» وميليشيات مدعومة من إيران تزعج أمنة واستقراره.»
ترجمه: حوادثی که بر ملت عراق گذشت؛ نظیر داعش و شبه نظامیان مورد حمایت ایران، امنیت و ثبات عراق را متزلزل می‌کند.

«لاعودة إلى قدر من الاستقرار في الإقليم ما لم يتم تعديل ميزان القوى بضوابط جديدة تلزم الميليشيات بمغادرة أراضي الآخرين.» (محمدشريف، الف، ۲۰۱۷/۱۱/۰۵م)
ترجمه: تا زمانی که با قوانینی جدید که شبه‌نظامیان را مجبور به ترک سرزمین دیگران می‌کند توازن قوا برقرار نشود، بازگشت به ثبات در منطقه امکان‌پذیر نیست.

در جملات بالا، نویسنده بدون توجه به وظیفه حرفه‌ای خویش، تمام تمرکز خود را بر بزرگ‌نمایی مسائل منفی درباره ایران از طریق ایجاد ابهام و عدم وضوح در هویت گروه‌های وابسته کرده است. در مناطق مورد ادعای نویسنده (سوریه و عراق)، گروه‌های نظامی و مردمی متعددی حضور داشته‌اند که برخی از آنها تحت حمایت عربستان، قطر، ترکیه، آمریکا و... بوده‌اند؛ اما او با تعدد هرگونه خرابکاری در این مناطق را به گروه‌های نامشخص مورد حمایت ایران نسبت داده و رعایت تناسب قوای موجود در کارزار را نیز مستلزم خروج نیروهای ادعایی و نامشخص مورد حمایت ایران قلمداد کرده است. فایده این عدم شفافیت برای روزنامه این است که در درازمدت خوانندگان تصویری اغراق‌آمیز که معلوم نیست ریشه در واقعیت بیرونی داشته باشد، نسبت به کنشگر هدف که در اینجا ایران است پیدا خواهند کرد.

۵-۸. فاصله‌گذاری [۱۰]

وندایک، تضاد منافع گروه‌های مختلف را عامل استفاده از فاصله‌گذاری می‌داند که با توجه به مربع ایدئولوژیک به عنوان راهبرد کلی متن، به صورت «استفاده از ضمائر شناخته شده ما و آنها» تحقق می‌یابد. (وندایک، ۱۳۹۴ش: ۷۰) نویسنده با به کارگیری صورت‌های زبانی و مرزبندی میان آنها، درصدد نشان دادن دو گروه و یا دو حزب مخالف است. این استراتژی در زمره رایج‌ترین تکنیک روزنامه‌الشرق الأوسط به شمار می‌آید که به شکل‌های مختلف در همه متون بررسی شده دیده می‌شود. نمونه‌های زیر از آن جمله هستند: «إن الأمر باختصار يتعلق بإيران(آنها، استفاده صریح از اسم)، و هو بمثابة معركة تدور بينها وبين الدول العربية (ما، استفاده از وصف مشترک)». «لماذا تركنا(خود) ميليشيات إيران (آنها، استفاده صریح از

اسم) تستولی (آنها، استفاده از ضمیر هی مستتر) علی المراكز القيادية في دولنا (ما، استفاده از ضمیر متکلم). « (محمد شریف، ب، ۲۰۱۸/۰۶/۰۲م)

ترجمه: به طور خلاصه، این موضوع مربوط به ایران است و به منزله نبردی بین ایران و دولت‌های عربی است. چرا به شبه‌نظامیان ایران اجازه دادیم بر مراکز رهبری در کشورهایمان مسلط شوند؟ «نحن (ما، استفاده از ضمیر متکلم) في سباق ماراثوني بين تصعيد خطابي أميركي من جهة، وزحف إيراني (آنها، استفاده صریح از اسم) علی أرض الواقع في سوريا.» (شریل، الف، ۲۰۱۸/۱۰/۱۶م)

ترجمه: ما در یک مسابقه ماراتن بین تشدید سخنان آمریکا از یک طرف و پیشروی ایران در زمین در سوریه قرار داریم. «نحن (ما، استفاده از ضمیر متکلم) بحاجة لتعزية إيران (آنها، استفاده صریح از اسم) أمام الرأي العام الأوروبي.» (الشاعر، ب، ۲۰۱۸/۰۲/۱۸م)

ترجمه: ما باید (چهره واقعی) ایران را در مقابل افکار عمومی اروپایی، به ویژه آلمان و فرانسه افشا کنیم. «نحن (ما، استفاده از ضمیر متکلم) هنا أمام رجل لا يتكلم عبثاً الأمير محمد بن سلمان ويتخذ موقفاً تجاه الإرهاب الإيراني (آنها، استفاده صریح از اسم) الموجه للعالم»، (الشاعر، د، ۲۰۱۸/۰۴/۰۸م) ما در مقابل شاهزاده محمد بن سلمان هستیم. مردی که بیهوده سخن نمی‌گوید و علیه تروریسم ایرانی که جهان را نشانه گرفته، ایستادگی می‌کند. «أن إيران (آنها، استفاده صریح از اسم) تشن الحرب الآن علينا (ما، استفاده از ضمیر متکلم) كدول خليجية (ما، استفاده از وصف مشترک) وعربية (ما، استفاده از وصف مشترک) بالوكالة منذ أكثر من ثلاثين عاماً.» (همان)

ترجمه: ایران از ۳۰ سال پیش جنگ نیابتی علیه ما دولت‌های (حاشیه) خلیج و (دیگر دولت‌های) عربی به راه انداخته است. «أنا (ما، استفاده از ضمیر متکلم) نخوض (ما، استفاده از ضمیر متکلم نحن) حرباً فعلية مع دولة توسعية (آنها، استفاده از وصف) تهدد الأمن الدولي ونحن (ما، استفاده از ضمیر متکلم) الوحيدون الذين نتصدى (ما، استفاده از ضمیر متکلم) لها والعالم يتفرج ومحاولاتها لم ولن تتوقف (آنها، استفاده از ضمیر) مادام المجتمع الدولي يفكر بصفقاته التجارية التي تستخدمها إيران (آنها، استفاده صریح از اسم) لشراء موقفه» (همان)

ترجمه: ما درگیر یک جنگ واقعی با کشوری توسعه‌طلب هستیم که امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. در حالی که جهانیان به تماشا نشسته‌اند ما تنها کسانی هستیم که در مقابله ایستاده‌ایم و تا زمانی که جامعه جهانی به معاملات تجاری خود که ایران از آنها برای خرید مواضع (کشورهای دنیا) استفاده می‌کند، فکر کند، تلاش‌های (توسعه‌طلبانه) ایران متوقف نشده و نخواهد شد.

۹-۵. آشکارسازی [۱۱]

نقطه مقابل تلویح است و گوینده/نویسنده با بیان مستقیم آنچه درون عبارت پنهان شده است به آشکارکردن و پررنگ کردن مطلب می‌پردازد. آشکارسازی یکی دیگر از استراتژی‌های نویسنده در انتخاب ساخت‌های گفتمانی متن است. در این استراتژی ابتدا موضوعی به اجمال معرفی می‌شود، سپس نویسنده با تفصیل به آشکارسازی زوایای پنهان آن می‌پردازد. در نمونه زیر، اولین عبارت زیرخط‌دار،

موضوعی است که نویسنده به عنوان محور بحث برگزیده و موارد بعدی برای تفصیل و آشکارسازی آنچه نویسنده ریشه تاریخی طغیان‌گری ایران نامیده، ذکر شده‌اند.

«الامتداد التاريخي، والعمق الزمني أحد العناصر المعززة للشعور بالذات الذي يبلغ في بعض مراحل درجة الطغیان على الواقع وغياب الوعي بالحقائق، ويتشابه في ذلك الأفراد والدول. لدينا هنا برهان صحيح يقدم لنا كل أفعال طهران التي تتسم به، وهو الشعور بالعظمة وتطبيق مبدأ قديم فارسي يحث على الاستيلاء والتمدد؛ ففي إيران نجد أن تعريف العظمة الفارسية مطابق لمعنى الاستيلاء على الأراضي العربية على مدى قرون، حتى في أواخر القرن الواحد والعشرين ازداد المخطط اتساعاً، وتم السطو على عواصم عربية عدة تم فيه سفك الدماء وسلب الثروات النفطية، وممارسة كل أنواع الفساد والسعي بكل حقد وكرهية لتخريب البنية التحتية لهذه الدول واختراق سرية حكوماتها.» (محمدشريف، ب، ۲۰۱۸/۰۶/۰۲م)

ترجمه: پیشینه تاریخی و عمق زمانی یکی از عوامل افزایش احساس خودبینی است که در برخی سطوح به سرکشی در مقابل واقعیت و عدم آگاهی از حقیقت می‌رسد و این حالت بین افراد و دولت‌ها شبیه به هم است. ما اینجا دلیل روشنی داریم که ویژگی‌های خاص ایران را که با آنها شناخته می‌شود به ما ارائه می‌دهد؛ یعنی احساس بزرگی و یک اصل فارسی باستانی که خواستار فتح و گسترش (سرزمین) است. می‌بینیم که در ایران، معنای بزرگی فارسی، قرن‌ها برابر با تسلط بر سرزمین‌های عربی بوده است. حتی در اواخر قرن بیست و یک این نقشه، توسعه بیشتری پیدا کرد و ایران اقدام به سرقت و راهزنی از تعدادی از پایتخت‌های عربی کرد. این سرقت از طریق خونریزی، غارت ثروت‌های نفتی، انواع فساد و تلاش همراه با کینه و نفرت، برای تخریب زیرساخت این کشورها و نفوذ در حکومت‌هایشان انجام شد.

گزاره نویسنده این است که کنشگری ایران را در منطقه از نوع طغیان و زیاده‌خواهی بازنمایی کند. بدین منظور، ابتدا یکی از زمینه‌های پیدایش آن را ذکر کرده است: «الامتداد التاريخي أحد العناصر...»، در ادامه، با تأکیدهای مختلف بیان می‌کند که دلایل قاطعی وجود دارد که نشان می‌دهد همه فعالیت‌های ایران ناشی از خوی تاریخی ایران (و تطبیق مبدأ قديم فارسی...) است که مبتنی بر خودبزرگ‌پنداری بوده و او را به سمت توسعه‌طلبی سوق می‌دهد. (بحث على الاستيلاء والتمدد) نویسنده، در ادامه به کارگیری استراتژی آشکارسازی، مدعی شده که به طور کلی معنای درونی شکوه و عظمت ایرانی مساوی تسلط بر سرزمین‌های عربی است. (العظمة الفارسية مطابق لمعنى الاستيلاء على الأراضي العربية) سپس آثار این طغیان‌گری ایران را دوره معاصر برشمرده و تسلط ایران را بر چند پایتخت عربی مثال می‌زند. در ادامه این آشکارسازی همه انواع فعالیت‌های خرابکارانه‌ای که در کشورهای عربی درگیر در جنگ رخ داده را به ایران نسبت می‌دهد و می‌گوید همه این اقدامات برای نابود کردن زیرساخت‌های این کشورها انجام شده تا راه ایران برای تسلط بر آنان هموار گردد. چنانچه مشاهده شد، نویسنده از ابتدا محور بحث را مشخص کرده، سپس به ذکر تفصیل و به نوعی آشکارسازی و افشای زوایای آن پرداخته است که همگی جانبدارانه و به ضرر ایران است. وی اصل بی‌طرفی رسانه‌ای را رعایت نکرده زیرا در سراسر این

پاراگراف، هیچ اشاره‌ای به حضور نظامی آشکار دیگر کشورها از جمله عربستان، ترکیه، آمریکا و... و آثار این حضور نشده است.

۵-۱۰. انکار [۱۲]

نویسنده این استراتژی را با هدف حفظ وجهه مثبت گروه خودی به کار می‌گیرد. ون دایک درباره این نوع ساخت گفتمانی معتقد است، تحقق آن در متن به صورت نفی مفهومی است که در وهله اول به عنوان صورتی از خودنمودی مثبت یا حفظ ظاهر به کار می‌رود. (ون دایک، ۱۳۹۴ ش: ۷۱) گوینده / نویسنده پس از بیان یک حقیقت با به کارگیری رابطه تضاد به تکذیب همان مطلب در ارتباط با برون‌گروهی می‌پردازد. «ایران تملك السلاح والمیلیشيات وتخرط في القتال في عدد من دول المنطقة (نسبت دادن موضوعی به ایران به عنوان گروه غیرخودی) و خارجها، وفي مقابل (ایجاد تقابل) هذا لا نريد الدول المضادة (نفی انتساب همان موضوع به گروه خودی) أن تدخل معها على المستوى والأسلوب نفسهما في نشر العنف» (الراشد، ب، ۱۸/۰۵/۲۰۱۸)

ترجمه: ایران سلاح و نیروهای شبه نظامی دارد و در تعدادی از کشورهای منطقه و خارج از آن مشغول مبارزه است. در عوض ما نمی‌خواهیم کشورهای متقابل در همان سطح و با همان روش در گسترش خشونت درگیر شوند.

نویسنده در ابتدا مدعی شده که ایران با رساندن اسلحه و حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی در کارزار و درگیری در کشورهای عربی دخالت می‌کند، پس این گروه غیرخودی در حال ضرر رساندن به ملت‌های منطقه است. سپس در ادامه، اتخاذ این استراتژی را توسط عربستان نفی کرده تا بازنمایی مثبتی از عربستان به عنوان گروه خودی ایجاد شود.

«أن قضية الاحتلال وحيارة الأرض لم تكن وليدة اللحظة، بل هي مخطط قديم خلقتة نزعة دينية متطرفة وقومية فارسية بغیضة، اصطدمت منذ بدايتها بموقف سعودي، صلب يستمد قوته من تاريخه العربي والإسلامي والسياسي الحكيم، هذا الموقف السياسي القائم على ضبط النفس من قبل السعودية...» (محمدشريف، ب، ۱۸/۰۶/۲۰۱۸ م) ترجمه: اشغالگری و مالکیت زمین، بحث تازه‌ای نیست بلکه طرحی قدیمی است که توسط گرایش دینی تندرو و ملی‌گرایی کینه‌ورزانه فارسی ایجاد شده است. این طرح از آغاز با موضع محکم عربستان سعودی روبرو شد. موضعی که قدرتش را از تاریخ عربی، اسلامی و سیاسی حکیمانه‌اش کسب می‌کند. این موضع سیاسی که بر خویشتنداری از سوی عربستان سعودی استوار است...

نویسنده در راستای ارائه بازنمودی مثبت از گروه خودی (عربستان) در مقابل گروه غیر خودی (ایران)، مراحل زیر را طی کرده است: ابتدا وصف اشغالگری را به ایران نسبت داده است: «قضية الاحتلال وحيارة الأرض»، در ادامه این اشغالگری را دارای زمینه‌های افراط‌گرایی دینی و قومیت‌گرایی قدیمی بین ایرانیان (نزعة دينية متطرفة وقومية فارسية) دانسته است. تا این بخش از متن، گروه غیرخودی و صفت

منفی‌اش نزد مخاطب مشخص شده، اکنون نوبت به ارائه چهره‌ای مثبت از گروه خودی است. در این مرحله، نویسندگان عربستان را به عنوان کنشگری که در مقابل زیاده‌خواهی‌های ایران مقاومت کرده، معرفی (اصطدمت سعودی) سپس مواضع گروه خودی را واجد صفات مثبتی (تاریخه العربی و... الحکیم، الموقف السياسي القائم علی ضبط النفس) می‌داند که دقیقاً در نقطه مقابل سیاست‌های ایران قرار دارد. این نوع دسته‌بندی و انکار در راستای مربع ایدئولوژیک ون دایک قرار دارد.

۱۱-۵. گواه‌نمایی [۱۳]

گویندگان در قبال گفته‌هایشان مسؤول هستند. بنابراین اگر عقیده‌ای را ابراز می‌کنند اغلب انتظار می‌رود که «شواهدی» برای آنها ارائه دهند. در رسانه، از آنجا که استفاده از پیام‌های رسانه می‌تواند سوگیرانه باشد، چنین «گواهی» هم می‌تواند مبتنی بر ایدئولوژی باشد. (ون دایک، ۱۳۹۴ش: ۷۴-۷۳) گواه‌نمایی، استراتژی است که به منظور ارائه شواهد؛ مانند نقل قول، سند، عکس و... در قبال یک مفهوم، موضوع یا حادثه استفاده می‌شود و هدف آن تقویت گزاره مورد نظر نویسنده است: «الأرجح أن نرى إيران تعيد ترتيب نشر قواتها ومليشياتها في سوريا، بالتفاهم مع إسرائيل علی مناطق نفوذ تبتعد إيران عنها، وهو ما نشره موقع «إيلاف» الإخباري عن مفاوضات سرية بين الجانبين، غير مباشرة، في عمان. ويؤكد حديث السفير الإيراني لدى الأردن لصحيفة «الغد»، وقال إنهم لا ينوون القتال في الجنوب. تكتيك المفاوضات الإيرانية ربما»، (الراشد، ۲۰۱۸/۰۵/۳۱م) ترجمه: پایگاه خبری «ایلاف» درباره گفتگوهای مخفیانه غیرمستقیم بین ایران و اسرائیل در عمان نوشت: این احتمال وجود دارد که ایران با تفاهم با اسرائیل ترتیب پراکندگی نیروها و شبه نظامیان را در سوریه و در مناطق نفوذی که ایران از آنها دور است، دوباره تغییر دهد. (بازبینی کند) سخنان سفیر ایران در گفتگو با نشریه اردنی «الغد» نیز این موضوع را تأیید می‌کند. سفیر ایران گفت که آنها قصد ندارند در جنوب بجنگند. محتمل است که این راهبرد مذاکره‌کننده ایرانی باشد.

در ابتدای پاراگراف، نویسنده ادعایی را مطرح و ایران را درمورد وضعیت نبرد در سوریه به هماهنگی با اسرائیل متهم کرده است: «إيران تعيد ترتيب نشر قواتها ومليشياتها في سوريا، بالتفاهم مع إسرائيل.» از آنجا که ایران در منطقه به عنوان بزرگترین دشمن اسرائیل شناخته می‌شود، این نوع اخبار در جهت مخدوش کردن چهره این کشور نزد افکار عمومی تنظیم می‌شود. پس نویسنده نیاز دارد که برای اثبات صحت مدعای خود به منبع خبری دیگری اشاره کند تا ذهن مخاطب، مطابق ترتیبی منطقی، امکان صحیح بودن اتهام مطرح شده را بپذیرد. به همین دلیل به ارائه «گواه» بر گزاره خویش از سایت روزنامه الکترونیکی «ایلاف» پرداخته که خبر از گفتگوهای مخفیانه ایران و اسرائیل داده است. این سایت، بنابر آنچه در نشانی رسمی آن آمده، متعلق به «عثمان العمیر» نویسنده اهل عربستان و روزنامه‌نگار سابق روزنامه الشرق الأوسط است. (www.elaph.com) بدین ترتیب نویسنده به جای استناد به منبع خبری بی‌طرف، از روزنامه‌ای نقل قول کرده که کاملاً هم‌راستا با ایدئولوژی‌های رسانه‌ای الشرق الأوسط است.

۱۲-۵. شبه غفلت [۱۴]

این استراتژی به صورت «نفی موردی که در وهله اول به صورت مثبت بیان شده بود، اجرا می‌شود، شناخته‌شده‌ترین شکل آن اینگونه است: من چیزی علیه X ندارم؛ اما... (ون دایک، ۱۳۹۴ ش: ۷۱) منظور اصلی گوینده/نویسنده پس از «اما» می‌آید. در متن حاضر، این تاکتیک به کار گرفته شده است: ایران تدّعی الإسلام، لكنها قتلت أكبر عدد من المسلمين من أي بلد آخر في العصر الحديث. ولا شك في أنه ليس هناك أي حل للبلدان العربية والإسلامية إلا باستئصال هذا الورم السرطاني.» (الشاعر، ب، ۱۸/۲۰۱۸/۰۴/۱۵م)

ترجمه: ایران ادعای مسلمانی دارد؛ اما بیش از هر کشور دیگری، بیشترین تعداد از مسلمانان را در دوره معاصر کشته است و بدون شک کشورهای عربی و اسلامی راه‌حل دیگری جز برداشتن این تومور سرطانی ندارند. در گام اول نکته‌ای مثبت درباره ایران گفته شده: «ایران تدّعی الإسلام»، مخاطب احساس می‌کند که می‌توان از ایران به عنوان یک کشور مسلمان انتظارات خاصی داشت. مثلاً اینکه با دیگر مسلمانان رفتار کریمانه و عادلانه‌ای داشته باشد؛ اما نویسنده پس از کلمه «لکن» دقیقاً نقطه مقابل این مسأله را به ایران نسبت می‌دهد: ایران تعداد زیادی مسلمان را به قتل رسانده و اتفاقاً بیش از هر کشور دیگری در این کشتار نقش داشته است. بدین ترتیب گزاره اولی نویسنده؛ یعنی ادعای مسلمان بودن ایران رد می‌شود، چون رفتاری متناقض با دین دارد.

۱۳-۵. قطبی‌شدگی [۱۵]

ون‌دایک تقسیم مردم به درون‌گروه و برون‌گروه را شناخته‌شده‌ترین شکل قطبی‌سازی دانسته است. به اعتقاد او، قطبی‌سازی وقتی به صورت تضاد آشکار بیان شود، می‌تواند بار بلاغی بالایی پیدا کند و این کار از طریق نسبت دادن ویژگی‌هایی به ما (خودی) و آنها (غیرخودی) که به لحاظ معناشناختی متضاد هستند، صورت می‌پذیرد. (ون دایک، ۱۳۹۴ ش: ۱۱) نویسنده تلاش دارد دو قطب و جبهه مخالف را برای مخاطب به تصویر بکشد. به بیان دیگر، در جهت طبقه‌بندی و تفکیک بین گروه خودی و غیرخودی حرکت می‌کند. «الأوروبي له حساباته ومصالحه الخاصة، واليمن بالنسبة له أو لإيران «كارت لعب»، لكنه بالنسبة للسعودية ولأهل اليمن قبل ذلك، قصة حياة أو موت»، (الذایدی، ۱۸/۲۰۱۸/۰۵/۳۰م)

ترجمه: اروپا حساب و کتاب و منافع خاص خودش را دارد. یمن برای اروپا و ایران به منزله «کارت بازی» است؛ اما یمن برای عربستان داستان مرگ و زندگی است. در این نمونه، ایران به عنوان عنصر برون‌گروه یا غیرخودی معرفی شده که سرنوشت مردم یمن صرفاً به اندازه منافعش در منطقه یا به تعبیر نویسنده یک «کارت بازی» اهمیت دارد. در مقابل ایران به عنوان قطب منفی، یک کشنگر درون‌گروهی به نام عربستان (قطب مثبت) وجود دارد که نه تنها به وضعیت مردم یمن اهمیت می‌دهد بلکه یمن برای او حکم مرگ و زندگی دارد. این قطبی‌سازی در نمونه بعدی هم وجود دارد: «النظام الحاكم في إيران يري نفسه وصياً على البلدان العربية والإسلامية، تسعى إيران لجر المملكة العربية السعودية لحرب ثانية في الشمال عامدة متعمدة، إلى جانب حربها في الجنوب.» (الشاعر، الف، ۱۸/۲۰۱۸/۱۱/۱۲م)

ترجمه: نظام حاکم بر ایران خود را وصی کشورهای عربی و اسلامی می‌داند. ایران عامدانه تلاش دارد عربستان را علاوه بر جنگ در جنوب (با یمن) با جنگ دیگری در شمال درگیر کند. اولین قطبی‌سازی در این نمونه بین ایران و همهٔ کشورهای عربی و اسلامی قرار دارد. به شکلی که ایران به عنوان کنشگر فعال و قطب منفی خود را وصی و قدرت غالب نسبت به دیگر کشورهای اسلامی و عربی (قطب مثبت) قلمداد می‌کند. پس از القای این دوقطبی، نویسنده به عربستان سعودی اشاره می‌کند که ایران قصد دارد اجباراً این کشور را وارد جنگ کند. بدین ترتیب در این دوقطبی باز هم ایران قطب منفی و این‌بار عربستان قطب مثبت به شمار می‌رود. نکته‌ای که وجود دارد نویسنده با پررنگ نشان دادن نقش عربستان در ایستادگی برابر ایران، خود قصد دارد به صورت ناخودآگاه در ذهن مخاطب این کشور را تنها حریفی که قدرت رویارویی با ایران دارد، بازنمایی کند تا باز هم صفت مثبتی از این قطب نزد مخاطب ایجاد شود.

نتیجه‌گیری

نویسندگان الشرق الأوسط، بازنمایی ایران را با پیش‌انگاشت‌های منفی (مطابق مربع ایدئولوژیک؛ اصل تقویت نکات منفی دربارهٔ دیگری) انجام می‌دهند. در نمونه‌های یافت شده، گزاره‌ای که در ذهن نویسنده وجود داشته، به عنوان اطلاعات مشترک در نظر گرفته شده است. هدف نویسندگان این است که مخاطب روزنامه، صدق آن گزاره را قطعی بدانند. در حالی که گزاره مذکور ممکن است گزاره‌ای کاذب باشد.

کنشگران متضاد ایران در این روزنامه، با تکنیک‌های به‌نمایی و حذف ویژگی‌های منفی (مطابق مربع ایدئولوژیک؛ اصل تضعیف/حذف نکات منفی دربارهٔ خودی) مواجه می‌شوند. یکی دیگر از محورهای مورد علاقه نویسندگان روزنامه، معرفی ایران به عنوان دشمن خارجی و تهدیدی برای عرب‌ها و بلکه همه مسلمانان است. این نوع بازنمایی ویژهٔ گفتمان‌هایی است که بر تقسیم‌بندی «خودی و غیرخودی» بنا شده‌اند. تقویت گزاره‌های ایدئولوژیک علیه ایران از طریق ذکر مثال‌های خاص (صادق و غیرصادق)، غالباً مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. از راهبرد «مثال» برای توجیه رفتارهای منفی ایران و رفتارهای مثبت کنشگران متضاد با ایران استفاده شده است. در مجموع می‌توان گفت، استدلال‌های علمی مبتنی بر الگوی ون‌دایک به اندازهٔ کافی برای سوگیرانه دانستن بازنمایی ایران در ساخت‌های گفتمانی روزنامهٔ الشرق الأوسط موجود است. استفاده فراوان از قطبی‌سازی، فاصله‌گذاری، اغراق، گواه‌نمایی، تعمیم، همدلی و... همگی در خدمت مربع ایدئولوژیک ون‌دایک است. در ضلع غیرخودی این مربع، ایران قرار دارد که چند گزارهٔ سوگیرانه، شامل معرفی ایران به عنوان خطر و تهدیدی برای امنیت منطقه و کشوری مداخله‌گر، اصول کلی آن هستند.

جدول فراوانی داده‌ها در ۲۰ سرمقاله

به‌نمایی	پیش‌انگاشت	تعمیم	هم‌معنایی	همدلی	مثال	ابهام	فاصله گذاری	آشکار سازی	انکار	گواه نمایی	شبه غفلت	قطبی شدگی
۵	۳۷	۷	۳۰	۲۵	۱۱	۴۱	۵۲	۹	۷	۱۶	۳	۵۸

پی نوشت‌ها:

1. Hall
2. Brown & Yule
3. euphemism
4. presupposition
5. generalization
6. synonymy
7. consensus
8. example
9. vagueness
10. distancing
11. explicit
12. disclaimer
13. evidentiality
14. pseudo-ignorance
15. polarization

کتاب‌های فارسی

- ون دایک، تئون‌ای. (۱۳۹۴ش). ایدئولوژی و گفتمان؛ ترجمه محسن نوبخت، تهران: نشر سیاه‌رود.

مقالات فارسی

- حسن‌پور، آرش و علی ربانی خوراسگانی. (۱۳۹۶ش). «کاربست رویکرد گفتمان تاریخی ژوژت و داک در تحلیل مستند دماغ به سبک ایرانی»؛ فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۴۹-۷۰.
- فتاحی، سید مهدی. (۱۳۸۷ش). «گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو»؛ فصلنامه دانشنامه، شماره ۴، صص ۶۵-۷۳.

کتاب‌های عربی

- الشهری، عبدالهادی بن ظافر. (۲۰۰۴). استراتیجیات الخطاب مقاربة لغوية تداولية؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب الجدید المتحدة.
- عبدالسمیع، حسنة. (۲۰۰۱م). سیموپطیقا اللغة و تحلیل الخطاب؛ القاهرة: جامعة عين شمس.
- عکاشه، محمود. (۲۰۰۵م). لغة الخطاب السیاسی دراسة لغوية تطبيقية فی ضوء نظرية الاتصال؛ القاهرة: دارالنشر للجامعات.

مقالات عربی

- أمين، إميل. (۲۰۱۸م، الف). «بومبيو... الآن يتكلم الشعب الإيراني»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۲۰، ۲۲ مايو.
- _____ (۲۰۱۸م، ب). «عن السعودية ومناصرة القضية الفلسطينية»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۰، ۱ يونيو.
- [د.ك]. (۲۰۱۸م). «التصعيد العسكري ضد إيران وغزة يرفع شعبية نتنياهو وليبرمان»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۱، ۲ يونيو.
- البني، أكرم. (۲۰۱۸م). «الخيار المّر للنظام السوري بين إيران وروسيا»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۱، ۰۲ يونيو.
- الخوري، راجح. (۲۰۱۸م). «رودس إيراني - إسرائيلي في عتّان»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۱، ۰۲ يونيو.
- الذايدي، مشارى. (۲۰۱۸م). «إيران تحرك فيل اليمن على شطرنج أوروبا»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۲۸، ۳۰ مايو.
- الراشد، عبدالرحمن. (۲۰۱۸م، الف). «إيران تعرض اليمن للتفاوض»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۲۹، ۳۱ مايو.
- الراشد، عبدالرحمن. (۲۰۱۸م، ب). «قوائم حزب الله»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۱۶، ۱۸ مايو.
- الشاعر، سوسن. (۲۰۱۷م، الف). «حسن نصر الله أضحية النيروز»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۲۲۹، ۱۲ نوفمبر.
- الشاعر، سوسن. (۲۰۱۸م، ب). «استفزاز إيران أسهل الطرق»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۳۲۷، ۱۸ فبراير.
- الشاعر، سوسن. (۲۰۱۸م، ج). «إيران التي لا يعرفها الأوروبيون»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۳۸۳، ۱۵ أبريل.
- الشاعر، سوسن. (۲۰۱۸م، د). «رسائل ولي العهد السعودي»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۳۷۶، ۰۸ أبريل.
- الشاعر، سوسن. (۲۰۱۸م، هـ). «طريق وحيد في مواجهة الهيمنة الإيرانية»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۳۳۴، ۲۵ فبراير.
- شربل، غسان. (۲۰۱۷م، الف). «ترمب والانتقال على الانقلاب»، صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۲۰۲، ۱۶ أكتوبر.
- شربل، غسان. (۲۰۱۷م، ب). «قاموس السعودية الجديدة»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۲۱۲، ۲۶ أكتوبر.
- شليغر، آلن غولد. (۱۹۸۷م). «نحو سيمياء الخطاب السلطوي»: ترجمه مصطفى كمال، مجلة بيت الحكمة، العدد الخامس، السنة الثانية، دارالبيضاء، صص ۱۳۵-۱۴۷.
- عبدالعزيز الهزاني، أمل. (۲۰۱۸م). «الإعلام المذعور»: صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۳۶۴، ۲۷ مارس.

- عبدیان بنی سعید، کریم. (۲۰۱۸م). «سیناریوهات التغيير في إيران ونهاية النظام»؛ صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۰، ۰۱ یونیو.
- قطیش، ندیم. (۲۰۱۸م). «هل بدأ العد العكسي لانتهيار النظام الإيراني؟»؛ صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۰، ۰۱ یونیو.
- محمد الشریف، مها. (۲۰۱۷م، الف). «إيران تتحمل مسؤولية العبث بأمن المنطقة»؛ صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۲۲۲، ۰۵ نوفمبر.
- محمد الشریف، مها. (۲۰۱۸م، ب). «دعم السعودية لفلسطين تاريخ ناصع»؛ صحيفة الشرق الأوسط، العدد: ۱۴۴۳۱، ۰۲ یونیو.

کتاب‌های انگلیسی

- Brown, G. & Yule, G. (۱۹۸۹). **Discourse Analysis**. New York: Academic Press.
- Fairclough, N. (۱۹۸۹). **Language and Power**. London: Longman.
- Hall, S. (۱۹۹۶). **The Problem of Ideology: Marxism Without Guarantees**. In D. Morely & K. Chen. Staurart Hall: Critical Dialogues in Cultural Studies. London: Routledge.
- Johnstone, Barbara. (۲۰۰۸). **Discourse Analysis**, Blackwell publishing
- Van Dijk, T. (۱۹۹۵). **Discourse Analysis as Ideology Analysis**. In C. Schaffner & A. Wenden, Language and Pace. Aldershot: Dartmouth.
- Van Dijk, T. (۱۹۹۸). **Opinions & Ideologies in the Press**. In A. Bell & Garrett, Approaches to Media Discourse. Malden, MA: Blackwell.
- Van Dijk, T. (۲۰۰۹). **Society and Discourse**. How Context Controls Text and Talk. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wodak, Ruth. (۲۰۰۱). **What CDA is about- A summary of its history, important concepts and its developments**. In R. wordak & M, Meyer (Eds), Methods of critical Discourse Analysis. London: Sage Publications.

فصلية لسان مبین (پژوهش ادب عربي)
(علمية محكمة)

السنة العاشرة، الدورة الجديدة، العدد الرابع والثلاثون، شتا ١٣٩٧ هـ ش ١٩٠١٩ م

دراسة التمثيل الأيديولوجي لإيران في صحيفة الشرق الأوسط اعتماداً على نمط فان دايك*

شهریار نیازی، أستاذ مشارك بجامعة طهران، قسم اللغة العربية وآدابها
مسعود فكري، أستاذ مشارك بجامعة طهران، قسم اللغة العربية وآدابها
زينب قاسمي أصل، باحثة بمرحلة ما بعد الدكتوراه بجامعة طهران، قسم اللغة العربية وآدابها

الملخص

تعدّ منتجات وسائل الإعلام، خاصة تلك التي يُنتجها الصحفيون يومياً، واحدة من أكثر المجالات استخداماً على نطاق واسع لتطبيق المناهج النقدية في تحليل الخطاب، حيث خلقت الخلافات السياسية بين إيران والمملكة العربية السعودية في السنوات الأخيرة حيزاً إعلامياً بين البلدين، وهو يخضع بالكامل لسيطرة الخطابات السياسية التي تحكمها الحكومات. فأجريت هذه الدراسة لشرح استراتيجيات الخطاب لصحيفة "الشرق الأوسط" في التمثيل الأيديولوجي لإيران. لهذا الغرض، وتم اختيار نموذج فن دايك كطريقة بحث إذ تمّت مناقشة ٢٠ مقالا منها على أساسه. بيّنت نتائج الدراسة أن الطريقة التي تتمّ بها معالجة المعلومات والأخبار حول إيران في هذه الصحيفة تتطابق مع المربع الأيديولوجي لـ"فن دايك" ولا يحترم صحفيو الشرق الأوسط مبدأ الحياد الإعلامي في تصويرهم لإيران. وحسن التعبير (لصالح المجموعة الداخلية)، والافتراضات السلبية المسبقة، وتصنيف الفئات في النصّ على حساب إيران، وتعريف إيران كمجموعة غير داخلية وأجنبية، ومباعدة،... إلخ، هي استراتيجيات صحفيي الشرق الأوسط ضد إيران. وفي كافة النصوص المدروسة، تمّ تقديم إيران كتهديد لأمن المنطقة والعالم وكيان غير متناسق مع الدول الإسلامية. فحاول ويحاول كتاب هذه الصحيفة إدخال أشكال الأفكار الأيديولوجية في مختلف مستويات النصّ ليصدوا الطريق أمام القارئ والمتلقي للوصول إلى حكم عادل للقضايا المطروحة. فيسعى الخطاب السائد في هذه الجريدة خلال فترة الدراسة، إلى تقديم صورة عن إيران بعيدة عن الواقع السياسي والديني وفي المقابل، تم تصميم صورة السعودية بشكل إيجابي.

كلمات مفتاحية: الأيديولوجية، التحليل النقدي للخطاب، صحيفة الشرق الأوسط، فان دايك.

تاريخ القبول: ١٣٩٧/٠٩/١٣ هـ ش - ٢٠١٨/١٢/٠٤ م

* - تاريخ الوصول: ١٣٩٧/٠٢/٠٦ هـ ش - ٢٠١٨/٠٤/٢٦ م

عنوان البريد الإلكتروني للكاتبات المسؤول: shniazi@ut.ac.ir